

## اسماء الوحي والحي



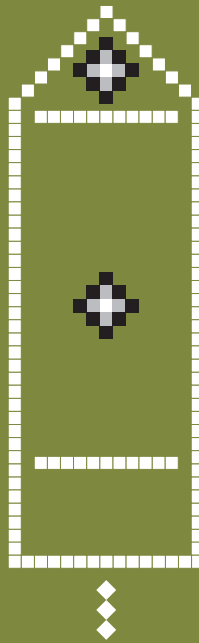
مجموعهٔ ریشه‌ها؛  
جلد دوم

## عهد پدر

زیست جهان دینی زنان دانشجو  
در سال‌های منتهی به انقلاب اسلامی

صابر جعفری کافی آباد  
(عضو هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی)

حسن سهرابی فر





اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی

پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی  
مجموعه ریشه‌ها؛ جلد دوم:  
عهد پدر

زیست جهان دینی زنان دانشجو  
در سال‌های منتهی به انقلاب اسلامی  
صابر جعفری کافی آباد/ حسنا سهرابی فر

ناظر علمی: محمدسجاد صفارهرندی  
ویراستار: سحر جمشیدی رستمی  
طراح جلد و گرافیک: صادق جمالی  
صفحه‌آرا: احمد الهی

چاپ نخست: ۱۴۰۴

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

شابک دوره: ۹-۰۹-۵۰۰۵-۶۲۲-۹۷۸

شابک جلد: ۲-۱۱-۵۰۰۵-۶۲۲-۹۷۸



نشانی:

تهران، خیابان سمیه،  
حوزه هنری، پژوهشکده  
فرهنگ و هنر اسلامی  
کدپستی: ۱۵۹۹۷۱۹۵۱۲  
شماره تماس: ۹۱۰۸۸۲۷۱



با اسکن  
رمزپیکره از  
دیجی‌آر‌آر  
پژوهشکده  
ریشه‌ها  
آگاه  
شوید

نقل و چاپ نوشته‌ها منوط به اجازه رسمی از ناشر است.

شماره تماس نشر پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی: ۹۱۰۸۱۰۲۴۲۸

تالیف و تحقیق این اثر با حمایت  
معاونت فرهنگی و اجتماعی شهرداری تهران  
انجام شده است.

## فهرست مطالب



۸ پیشگفتار پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی

### ۱۳ آغاز



۲۴ ملاحظات نظری

۳۰ ملاحظات روشی



### ۴۵ فصل نخست؛ زن بودن

۴۸ بدن: نه خیلی کوتاه باشه، نه خیلی جلف

۴۹ پایین تنه: مسئله مینی ژوپ

۵۷ بالاتنه: آستین، یقه

۶۲ تبصره: موقعیت‌های مکانی و زمانی خاص

۶۵ ادب: سنگین باش

۶۸ حریم و حیا

۷۷ محدوده زمانی و مکانی حرکت در بیرون از خانه



### ۸۷ فصل دوم؛ دیگری‌ها

۸۸ دیگری تمدنی و عناصر دنیای جدید

۹۴ دیگری دینی

۱۰۳ رابطه حکومت و نهادهای رسمی با زیست دینی

۱۰۳ رویکرد به حکومت و نهادهای رسمی

۱۰۴ - شاه مغضوب و ملکه خاکستری

۱۱۷ رویکرد حکومت و نهادهای آن به مظاهر و شرایط زیست دینی

۱۱۸ - ریزپر خاشگیری‌های ضدحجاب

۱۲۷ - هاله ممنوعیت؛ هزینه گزاف تفاوت‌های «کوچک، اما از جنس دین مکتبی»



### ۱۳۳ فصل سوم؛ زن ایرانی و راهبردهای مواجهه

۱۳۵ پذیرش: اروپایی با چاشنی ایرانی و اسلامی

۱۴۰ گشودگی و پذیرش اولیه، احتراز و انقباض ثانویه

۱۴۷ مشارکت فعال در ساختن و بسط جهان

۱۵۶ مصالحه مدیریت شده

۱۵۷ حضور اجتماعی

۱۵۸ تحصیل

۱۵۸ مدرسه؛ از آموزه «درس بخوان و پیشرفت کن» تا اجازه تحصیل مشروط

۱۶۸ دانشگاه؛ خط‌شکنان و تغییرات اجتماعی

۱۸۳ مجرای حضور اجتماعی

۱۸۵ اشتغال؛ استثنای معلمی



## ۱۹۵ فصل چهارم؛ سبک زندگی

- ۱۹۶ حجاب
- ۱۹۸ گونه شناسی چادر
- ۲۰۰ مانتو، عضو تازه وارد
- ۲۰۳ مورد پیچیده روسری
- ۲۰۷ لباس کوچه و خیابان
- ۲۱۱ بازتعریف حجاب؛ از پوشش سنتی تا انتخاب آگاهانه
- ۲۱۶ سیمای مدرسه و دانشگاه
- ۲۲۵ سیمای شهر
- ۲۳۸ رنج حجاب: استاندارد نبودن
- ۲۴۳ مصرف فرهنگی
- ۲۴۳ کتاب و مجله و روزنامه
- ۲۵۰ تلویزیون
- ۲۶۲ رادیو
- ۲۶۸ سینما
- ۲۷۵ موسیقی، فیلم و چهره‌های هنری
- ۲۸۱ پدیده شهرت



## ۲۸۹ فصل پنجم؛ زمان و مکان مقدس/متمایز و مناسک آن

- ۲۹۲ تقویم و تغییر ساعت
- ۲۹۵ عید/جشن مذهبی
- ۳۰۳ عید یا جشن و مناسبت ایرانی/عرفی
- ۳۰۷ شهادت/وفات
- ۳۰۷ محرم: همه جا و همه کس
- ۳۱۱ مسلمان علی (ع)
- ۳۱۲ ماه رمضان/شب قدر: خاطرۀ جمعی، حافظۀ فردی



## ۳۲۷ فصل ششم؛ سازویرگ‌های جامعه پذیری دینی: سایه روشن‌ها

- ۳۲۹ جلسه، روضه و سفره
- ۳۴۰ مسجد
- ۳۴۸ رساله
- ۳۵۳ مدرسه
- ۳۵۴ مدرسه دولتی و ملی: خالی نبودن عریضه
- ۳۶۵ مدرسه اسلامی: آغوش آشنا
- ۳۷۳ روحانیت

تأسیس مدرسه: به ما اعتماد کن.	۳۷۵
کارکرد و سرمایه اجتماعی: روحانی مسجد محله	۳۷۷
کنش سیاسی: منبر در تبعید	۳۸۴
شخصیت‌های اثرگذار بر زیست دینی	۳۸۹
امام خمینی: غایب حاضر	۳۹۳
پدیده دکتر شریعتی و حسینیه ارشاد	۴۰۰



<b>فصل هفتم؛ عبادات و شرعیات</b>	<b>۴۰۹</b>
نماز و روزه؛ معمولی‌ها و مذهبی‌ها؛ مسلمان/مذهبی	۴۱۲
کار نیکو کردن از پُرکردن است	۴۱۹
قرارهای ملاقات شخصی؛ میعادگاه‌های قدسی	۴۲۲
قرآن	۴۲۴
خمس و زکات و صدقه و احکام مالی	۴۲۷
طهارت	۴۳۰
نزول و قمار	۴۳۲
مشروبات الکلی	۴۳۴



<b>فصل هشتم؛ خانواده</b>	<b>۴۴۳</b>
آموزش و نظارت	۴۴۷
عهد پدر	۴۷۰
پویایی‌ها	۴۸۱
راهبردهای زنانه	۴۸۲
- اعتماد و اطمینان	۴۸۲
- قهر: تحت فشار قرارداد	۴۸۷
- مذاکره	۴۸۸
- مادر همراه	۴۹۰
تمردهای یواشکی: نقطه‌های کور	۴۹۳
موقعیت جدید برای خروج جزئی یا کلی از عهد پدر	۴۹۶
ازدواج	۴۹۶
عهد انقلاب	۵۰۱



نتیجه‌گیری ۵۰۹



منابع ۵۳۱



## پیشگفتار پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی



شک نباید کرد که انقلاب اسلامی ایران از همه انقلاب‌ها جدا است: هم در پیدایش و هم در کیفیت مبارزه و هم در انگیزه انقلاب و قیام. و تردید نیست که این یک تحفه الهی و هدیه غیبی بوده که از جانب خداوند منان بر این ملت مظلوم غارت‌زده عنایت شده است. از وصیت‌نامه سیاسی الهی امام خمینی (ره)

با گذشت چهار دهه از رخداد تاریخ‌ساز انقلاب اسلامی ایران بحث از ماهیت و علل و بسترهای آن هنوز بخش درخور توجهی از فضای تحقیقات و مطالعات اصحاب علوم اجتماعی را، نه فقط در ایران که در نهادهای علمی و دانشگاهی اروپای غربی و آمریکای شمالی، به خود اختصاص داده است. فضای غالب در تحقیقات جریان اصلی و متعارف علوم اجتماعی آن بوده که عامل اقتصادی (مثلاً افزایش و کاهش درآمدهای نفتی و تبعات آن) یا عامل سیاسی (استبداد و فقدان نهادهای مشارکت سیاسی) را در کانون تحلیل خود قرار داده و به دلایل معرفتی، ایدئولوژیک و حتی سیاسی نقش عنصر فرهنگی، یعنی مشخصاً دیانت و علایق و عقاید اسلامی، را در وقوع انقلاب به حاشیه برده یا انکار کند. در مقابل این جریان اصلی، دیدگاه رقیبی از جانب برخی محققان واقع‌گرا و

منصف‌تر وجود دارد که مرکزیت علایق دینی و فرهنگی در انقلاب را پذیرفته و آن را به ظهور و بروز زیربنای اقتصادی و یا وضع سیاسی تقلیل نمی‌دهد. روشن است که هر دسته از تبیین‌های انقلاب در حدود خود حاوی بهره‌ای از حقیقت انقلاب اسلامی است. در واقع، اگر وجه تقلیل‌گرایانه دیدگاه‌های اقتصادگرایانه یا سیاست‌گرایانه دربارهٔ انقلاب را کنار بگذاریم، هر یک از آن‌ها وجوهی از واقعیت تحولات منتهی به انقلاب اسلامی را بازنمایی می‌کنند؛ اما تقلیل واقعیت پیچیده به الگویی ساده‌سازی شده، امری که شاید بخش‌گریزناپذیر هر تلاشی برای تبیین نظری باشد، وقتی با جزم‌ها و تعصبات معرفتی و سیاسی گره می‌خورد به نوعی اعوجاج یا ناپینایی علمی تبدیل می‌شود. این امر حتی دربارهٔ دیدگاه‌ها و تبیین‌هایی که عنصر فرهنگ و مشخصاً اعتقادات

و علایق دینی را در کانون فهم انقلاب قرار می‌دهند نیز صادق است. طبعاً گروهی از اهالی علوم اجتماعی ایران که دارای علقه عقیدتی به انقلاب اسلامی هستند این دسته از تفسیرها را ترجیح می‌دهند، زیرا متضمن پذیرش سرشت اسلامی انقلاب و نقش محوری روحانیت در آن است. اما این خطر وجود دارد که تبیین کلان مذکور نیز با شکل دهی به الگویی بسیط و غیرپیچیده، ما را از فهم ظرایف و دقایق واقعیت انقلاب عظیم اسلامی عاجز سازد.

تبیین‌های فرهنگ محورانه انقلاب بر نقش و اهمیت محوری دین، هویت دینی، مرجعیت دینی، حساسیت‌های متدینانه و ذهن و زبان دینی در وقوع انقلاب تمرکز می‌کنند. از این منظر، انقلاب پاسخ «جامعه دیندار» به اقدامات و سیاست‌های دین‌زدایانه «حکومت غیردینی» است. پروژه مدرن‌سازی غرب‌گرایانه حکومت پهلوی که از جهات متعددی متضمن وهن و نفی هویت دینی جامعه است، پاسخی در جهت عکس را برمی‌انگیزد و امام خمینی با اتکا به سنت و میراث زنده اسلام شیعی در ایران و حساسیت‌ها و علایق دینی موجود در آحاد مردم اجماعی بی‌نظیر برای برانداختن حکومت طاغوت و برقراری حکومت اسلامی را شکل می‌دهند. به نظر می‌رسد الگوی کلی فوق‌علی‌الاصول با داده‌ها و واقعیت‌های تاریخی انقلاب بهمن ۵۷ انطباق دارد. همچنان که بر مبنای اسناد و روایت‌ها، این فهم به آنچه در میان ذهنیت سوژه‌های انقلابی در متن واقعه جریان داشت نیز نزدیک است. با این حال، خلأ مهمی در این سنخ از تبیین انقلاب وجود دارد که نمی‌بایست نادیده گرفته شود. این تبیین، همچون سایر تبیین‌های پسینی، رخداد انقلاب را امری طبیعی و قابل‌انتظار تصویر می‌کند. جایی که از سویی حکومتی دین‌ستیز و دین‌زدا و از سوی دیگر جامعه‌ای دیندار و متدین داریم، وقوع انقلاب اسلامی نتیجه قهری و طبیعی سیر امور و وقایع است. این در حالی است که بازگشت به روایت‌ها و فضای ذهنی دوران انقلاب عموماً حکایت از وقوع «امر شگفت و نامنتظر» دارد. اگر واقعیتی چنین روشن،

یعنی تعارض میان جامعه‌ای دیندار و حکومتی دین‌زدا، وجود داشت (که به یک معنا هم وجود داشت) چرا باید وقوع انقلاب را به مثابه امری شگفت و «تصورناشدنی» تصویر کرد. ضمن اینکه نمی‌توان شگفتی را صرفاً به بیگانگی و دوربودن از واقعیت کف صحنه نیز تقلیل داد. این فقط شاه و دم و دستگاهش یا سران کشورهای غربی و کارشناسان و متخصصانشان نبودند که با حیرت به صحنه می‌نگریستند. وضعیت در میان خود انقلابیون نیز تفاوت چندانی نداشت. وقوع انقلاب و خصوصاً غلبه تام و تمام خصلت اسلامی در آن نه فقط «دشمن» که حتی «دوست» را به تحیری شیرین واداشت.

چگونه می‌توان بین کلان‌روایت فرهنگ محور از انقلاب از یک سو و شگفت و نامنتظره‌بودن آن از سوی دیگر جمع کرد؟ پاسخ را شاید می‌بایست در معنا و دلالت دقیق و درست دینداربودن جامعه ایران جست‌وجو کرد. در اینکه جامعه ایران از گذشته‌های دور خصلتی دینی داشته تردید نیست. در دوران صفویه موجودیت سیاسی ایران با ملاط تشیع اثناعشری بازسازی شد و به‌رغم آنکه ظهور مجدد، پیامدهای جنبش مشروطه و خصوصاً حاکمیت سلسله پهلوی از نقش سیاسی دین کاست، اما حضور فراگیر آن در فرهنگ عمومی جای انکار نداشت. با این همه، مسأله احتمالاً این است که آن میزان از شدت و فراگیری ایمان، تعلق و تعهد مذهبی که در انقلاب بهمن ۵۷ ظاهر شد متفاوت از تصویر قبلی جامعه ایران از خود و از این رو مایه شگفتی فراگیر بود. به عبارت دیگر، تصویر و سیمای جامعه ایران از حیث معیارها و موازین تدین به نحوی نبود که ظهور فضای قدسی و خلوص‌خواهی دینی انقلاب را امری طبیعی و قابل انتظار سازد. از اینجا می‌توان در کلیشه اغراق‌شده «جامعه دیندار» در قبال «حکومت غیردینی» تأمل و دست‌کم آن را تعدیل و تدقیق کرد. این امر نیازمند به دست‌دادن تصویری درست و حتی الامکان جامع‌الاطراف از وضعیت دینداری جامعه ایران در سال‌های منتهی به انقلاب اسلامی (مشخصاً دهه چهل و پنجاه شمسی) است.

جست‌وجوهای اولیه گروه مطالعات فرهنگی و اجتماعی پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی حکایت از آن داشت که فضای پژوهشی و علمی ما فاقد چنین تصویری در قالب پژوهش‌های منظم جامعه‌شناختی و تاریخی است. در واقع، صرفاً معدودی تحقیقات پیمایشی در دهه ۱۳۵۰ در دسترس بود که تفسیر نتایج آن‌ها بیرون از بستر اجتماعی و فرهنگی می‌توانست رهنم باشد و نیز پاره‌ای تحقیقات که عمدتاً بر عملکرد نهادها و جریان‌ات دینی تمرکز داشتند و ارتباط معناداری با دینداری جاری در میان مردمان برقرار نمی‌کردند. این فضای خالی تحقیقاتی در کنار حضور فراگیر کلیشه‌های نیازموده و مفروضات بدیهی انگاشته شده که ذهن و زبان اهل نظر را در تسخیر خود داشت، موجب شد که مسئله دینداری ایرانیان در سال‌های منتهی به انقلاب اسلامی موضوع یک کلان پروژه پژوهشی قرار گیرد و زنجیره‌ای از تحقیقات ذیل آن در گروه مطالعات فرهنگی و اجتماعی تعریف و اجرا شود. در هر پژوهش تلاش شد از زاویه متفاوت یا بر بستر داده‌ها و اسناد متمایزی به موضوع نزدیک شویم تا از سرجمع آن‌ها تصویر ما از مختصات و شرایط دینداری در دهه‌های چهل و پنجاه وضوح بیشتری یابد.

حاصل این تحقیقات در انتشارات پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی با عنوان مجموعه کتاب ریشه‌ها منتشر می‌شود. کتابی که پیش روی شماست، «عهد پدر؛ زیست جهان دینی زنان دانشجو در سال‌های منتهی به انقلاب اسلامی» نوشته آقای دکتر صابر جعفری و سرکار خانم حسنا سهرابی فر، جلد دوم این مجموعه است.

امید است که این اثر و سایر منشورات مجموعه کتاب ریشه‌ها به سهم خود بتوانند نقشی در تعمیق دانش و بینش جامعه علمی کشور به تاریخ معاصر ایران و خصوصاً رخداد عظیم انقلاب اسلامی ایفا کنند. دانش و بینش ما نسبت به پیشینه و تاریخمان ضرورتاً شیوه اندیشه و عمل امروزمان را متأثر می‌سازد.